

وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران

خدیدجه شجاعیان*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۴

چکیده

رئیس قوه قضائیه عالی‌ترین مقام قوه قضائیه و عهده‌دار مدیریت این قوه است. برای رئیس قوه قضائیه وظایف و اختیاراتی در قانون اساسی و در قوانین عادی از قبیل قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸ مقرر شده و مسئولیت‌های اصلی وی در اصل ۱۵۸ قانون اساسی بیان شده است. وظایف و اختیارات تعیین شده در قانون اساسی، چه در اصل ۱۵۸ و چه در سایر اصول قانون اساسی، یا اداری و یا در جهت سیاستگذاری در کشور است. در قانون اساسی اختیار قضایی برای رئیس قوه قضائیه مقرر نشده است، ولی در برخی از قوانین عادی برای رئیس قوه قضائیه وظیفه قضایی در نظر گرفته شده است. این تعارض و اختیارات گسترده برای رئیس قوه قضائیه، لزوم تصویب قانون جامعی را که به صورت کاملاً "دقیق و مشخص اختیارات و مسئولیت‌های این مقام را تعیین کند، نشان می‌دهد.

کلید واژگان: قوه قضائیه، رئیس قوه قضائیه، وزیر دادگستری، اختیارات

معاونت تحقیقات،
آموزش و حقوق شهروندی

* دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Email: khadijeh.shojaeian@gmail.com

<http://www.lri.ir>

معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی

مقدمه

اداره قوه قضائیه بر عهده رئیس قوه است. در قانون اساسی مشروطه وزارت دادگستری به عنوان عالی‌ترین تشکیلات و وزیر دادگستری به عنوان عالی‌ترین مدیر دستگاه قضایی هدایت و مدیریت قوه قضائیه را از زمان مشروطه تا انقلاب عهده‌دار بود و سازمان قوه قضائیه جایگاهی در ساختار حکومت نداشت. بعد از انقلاب به استناد اصل ۱۵۶ قانون اساسی ۱۳۵۸ قوه قضائیه به عنوان قوه مستقل و جدا از وزارت دادگستری شناخته شد و در اصل ۱۵۷ نحوه مدیریت کلان قوه قضائیه به صورت شورایی به نام شورای عالی قضایی، تبیین شده بود. اصل ۱۵۸ ترکیب شورای عالی قضایی را بیان نموده بود.^۱ البته قبل از تشکیل شورای عالی قضایی، شورای انقلاب اسلامی، کلیه وظایف وزارت دادگستری را به شورای سرپرستی وزارت دادگستری مرکب از رئیس دیوان عالی و دادستان کل کشور منصوب رهبر و یکی از قضات دیوان عالی (سید هاشم طباطبایی) محول نموده بود و پس از آغاز به کار شورای عالی قضایی در تاریخ بیست و یکم تیرماه ۱۳۵۹ کلیه مسئولیت‌های قوه قضائیه بجز وظایف مقرر برای وزیر دادگستری در قانون اساسی به آن واگذار گردید.^۲

اشکالات و نارسایی‌هایی را در زمینه‌های متعدد از جمله در قلمرو قوه قضائیه موضوع بازنگری در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مطرح کرد. شورایی بودن مدیریت عالی قوه قضائیه به عنوان یکی از عوامل اصلی بروز ضعف‌ها و اشکالات در عرصه نظام قضایی بیان شد. چنان‌که امام خمینی (ره) به صراحت از شورای عالی قضایی خواست که مسئولیت‌ها و وظایف مربوط به آن شورا بین اعضای آن تقسیم شود تا هر امری مسئول خاص خود را داشته باشد. ولی فائق آمدن بر این مشکل تنها با اصلاح قانون اساسی ممکن به نظر می‌رسید. با شروع

۱. اصل ۱۵۸ قانون اساسی ۱۳۵۸: شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.

اعضای این شورا برای مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می‌شوند و انتخاب مجددشان بلامانع است. شرایط انتخاب‌شونده و انتخاب‌کننده را قانون معین می‌کند.

۲. زهرا یزدان پناه، الگوی مطلوب دادگستری در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، صص ۵۴ و ۵۵.

به کار شورای بازنگری، کمیسیون شماره ۳ به موضوع تمرکز در مدیریت قوه قضائیه اختصاص یافت.^۱ گزارش این کمیسیون در تاریخ ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۸ در شورای بازنگری به این شرح قرائت گردید: «... بخشی از نارسایی‌های قوه قضائیه مربوط به شورایی بودن قوه قضائیه و مدیریت قضایی کشور بوده و به این دلیل بوده است که چون مسئولیت‌های اعضای شورای عالی قضایی مشخص نبوده، بنابراین مسئولیت‌ها به نحوی لوٹ شده و بالاخره مشخص نمی‌شده است کدام بخش از قوه قضائیه در مسئولیت کدام فرد از اعضای شورای عالی قضایی است و توافق نظر و اجماع رأی شورای عالی قضایی طبعاً به ندرت اتفاق می‌افتد...»^۲

برای حل این مشکلات، بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ به تمرکز در اداره قوه قضائیه و حذف شورای عالی قضایی منتهی شد. مدیریت قوه قضائیه بر عهده رئیس قوه قضائیه قرار گرفت و اصل ۱۶۰ به بیان وظایف وزیر دادگستری اختصاص داده شد.

به موجب اصل ۱۵۷ قانون اساسی^۳ «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.» با توجه به این اصل باید به چند نکته در مورد رئیس قوه توجه کرد:

۱. ریاست قوه قضائیه انتصابی است.
 ۲. انتخاب مجدد رئیس قوه قضائیه منعی ندارد. چنان‌که رویه عملی نیز بر این امر قرار گرفته است.
 ۳. رئیس قوه قضائیه مستقیماً به امر قضا نمی‌پردازد بلکه قضات را منصوب می‌نماید و دستگاه قضایی را اداره می‌کند. وی همچنین در عرض رؤسای قوه مجریه و مقننه در برخی از تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور دخالت می‌نماید.^۴
- مسئولیت‌های اصلی رئیس دستگاه قضایی در اصل ۱۵۸ بیان شده است. این وظایف ناظر بر نقش رئیس در اداره و مدیریت قوه قضائیه است. در قانون اساسی برای رئیس قوه قضائیه اختیار قضایی در نظر گرفته نشده است. وی مستقیماً نباید به قضاوت بپردازد. با وجود این،

۱. محمد زرنگ، تحول نظام قضایی ایران، ج ۲، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۰.
 ۲. مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، ص ۳۲۱ (جلسه ۹، چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۸).
 ۳. حسین مهرپور، مختصر حقوق اساسی جمهوری ایران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷، ص ۳۴۵.

برخی از وظایف تعیین شده در قوانین عادی تا حدودی جنبه قضایی دارند. علاوه بر این موارد باید توجه داشت که چنانچه در قوانینی که قبل از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ به تصویب مراجع قانونگذاری رسیده، کلیه وظایف، مسئولیت‌ها و یا اختیاراتی که برای وزیر دادگستری یا وزارت دادگستری مقرر شده بود، طبق نظریه شماره ۴۲۱-۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان به عهده شورای عالی قضایی محول شده و اختیارات شورای مذکور نیز به موجب قانون اختیارات و وظایف رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹ به رئیس قوه قضائیه واگذار شده است.^۱

وظایف و اختیارات رئیس قوه را بر اساس ملاک ارتباط با قوه قضائیه می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول، به وظایف و اختیارات ریاست قوه در ارتباط با قوه قضائیه می‌پردازد و دسته دوم سایر مسئولیت‌ها و اختیارات وی را که ارتباطی با امور قوه قضائیه ندارند، در بر می‌گیرد. در ادامه به بررسی وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه در قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات حاکم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت.

بند اول: وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه در ارتباط با قوه قضائیه

الف) وظایف رئیس قوه در مورد مدیریت و اداره دستگاه قضایی که در اصل ۱۵۸ قانون اساسی بیان شده است.

اصل ۱۵۸ قانون اساسی دربردارنده موارد زیر به عنوان وظایف رئیس قوه قضائیه است:

۱. ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل ۱۵۶؛
 ۲. تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران. لوایح قضایی تهیه شده از طریق وزیر دادگستری در هیئت دولت مطرح می‌شود.
- در رابطه با این مسئولیت، استعلام رئیس قوه قضائیه وقت از شورای نگهبان قابل ذکر است:^۲
- سؤالات مطرح شده از سوی رئیس قوه قضائیه در این استعلام به قرار زیر است:
- تعریف لایحه قضایی و فرق آن با لایحه قانونی چیست؟

۱ حسین کریمی، «آشنایی با مسئولیتهای مسئولین قضائی قوه قضائیه»، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۴، ص ۱.

۲. استعلام شماره ۱/۷۹/۱۰۴۷۰ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۷ رئیس قوه قضائیه از شورای نگهبان

- آیا قوه قضائیه پس از تهیه کردن لایحه قضایی توسط ریاست قوه لازم است آن را ابتدا به هیئت دولت جهت تصویب ارسال کند و سپس از طریق دولت به مجلس شورا ارسال شود و یا خود قوه قضائیه می تواند رسماً آن را به مجلس شورا ارسال نماید؟

- آیا هیئت دولت می تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم کند و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید یا خیر؟

- آیا هیئت دولت می تواند در لایحه قضایی که در قوه قضائیه آماده شده است تغییر محتوایی (به نحو حذف و یا اضافه کردن موادی و یا تغییر مفاد ماده) انجام دهد و سپس آن را به مجلس شورا ارسال نماید یا خیر؟

- آیا مقصود از لایحه قضایی تنها لوایحی است که جداگانه و مستقل به مجلس می رود و یا مواد قضایی را که ممکن است در لوایح قانونی گنجانده شود نیز شامل می شود؟

شورای نگهبان در نظریه شماره ۷۹/۲۱/۱۰۶۵ در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ به شرح زیر به استعلام مذکور پاسخ داد:

- فرق لوایح قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و محتوای لوایح قضایی را فصل یازدهم قانون اساسی به ویژه اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و موضوعات مربوط به آنها در اصول دیگر فصل یازدهم و سایر اصول مربوط به امور قضایی معین می کند.

- هیئت دولت نمی تواند مستقلاً "لایحه قضایی تنظیم کند و آن را به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نهایی ارسال نماید.

- لوایح قضایی که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و به دولت ارسال می شود، به مجلس شورای اسلامی تقدیم می گردد. هرگونه تغییر مربوط به امور قضایی در این گونه لوایح فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز است.

در رابطه با این بند از اصل ۱۵۸، ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸ قابل توجه است. این ماده مقرر می کند: «دولت موظف است لوایح قضایی را که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تحویل دولت می شود، حداکثر ظرف مدت سه ماه، به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»

به نظر می رسد مفاد این ماده، با اصل ۷۴ قانون اساسی تعارض دارد. زیرا مطابق اصل مذکور، لوایح قانونی الزاماً باید به تصویب هیئت وزیران برسند، آن گاه به مجلس ارسال

شوند. مضاف بر این، اصل مزبور، ظرف زمانی خاصی نیز برای این کار در نظر نگرفته است. در حالی که در این ماده، برای ارسال لوایح به مجلس، ظرف زمانی خاص در نظر گرفته شده است، که این تعیین مدت سه ماه برای تصویب لوایح در هیئت وزیران، با ظاهر اصل ۷۴ در تعارض است. زیرا در بسیاری موارد، به علت کثرت مواد و تخصصی بودن آنها و اهمیت موضوع، مدت زمان سه ماه برای بررسی لایحه در هیئت وزیران، با توجه به اینکه هیئت وزیران به مسائل دیگری نیز باید پردازد، کافی نیست و این مسأله می تواند منجر به این شود که لوایح قضایی که رئیس قوه قضائیه تهیه می کند، بدون بررسی در هیئت وزیران، به مجلس ارسال شوند که این مساله به توسعه بیش از پیش اختیارات رئیس قوه قضائیه می انجامد.^۱

۳. استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری طبق قانون

ب) علاوه بر وظایف ذکر شده در اصل ۱۵۸، در سایر اصول قانون اساسی و برخی از قوانین عادی برای رئیس قوه قضائیه وظایف و اختیاراتی به شرح زیر مقرر شده است:

۱. نصب رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور پس از مشورت با قضات دیوان عالی کشور: اصل ۱۶۲ قانون اساسی: «رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند».
۲. تعیین ضوابط تشکیل دیوان عالی کشور: اصل ۱۶۱ قانون اساسی: «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می کند، تشکیل می گردد».

۳. تغییر سمت یا محل خدمت قاضی بنا به اقتضای مصلحت جامعه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل: اصل ۱۶۴: «قاضی را نمی توان از مقامی که شاغل آن است

۱. «گزارش کارشناسی پیرامون طرح اصلاح قانون و اختیارات رئیس قوه قضائیه»، دفتر بررسی های حقوقی مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۴۹۵۱، صص ۳-۴ به نقل از زهرا یزدان پناه، منبع پیشین، صص ۹۰ و ۹۱.

بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد». همچنین رئیس قوه به موجب قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸ می‌تواند قضات داوطلب را به تهران و سایر شهرستانهایی که با کمبود شدید قاضی مواجه هستند در صورت مصلحت و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات، انتقال دهد. تغییر سمت یا محل خدمت قاضی به نحو مقرر در اصل ۱۶۴ قابل تأمل است. زیرا به رئیس قوه قضائیه اجازه داده شده است که به اقتضای مصلحت جامعه و پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور سمت یا محل خدمت قاضی را تغییر دهد. با توجه به امکان تعریف موسع از مصلحت جامعه به نظر می‌رسد که این مقام به راحتی قادر به نقل و انتقال قضات خواهد بود. در نتیجه امکان از بین رفتن استقلال قاضی وجود دارد.^۱ از آنجا که استقلال قاضی از شاخص‌های استقلال قضایی و از پیش فرض‌های حاکمیت قانون و قانون‌گرایی است لازم است که از هر عاملی که موجب به خطر افتادن استقلال قضات و اشراف بر عمل قضایی ایشان می‌شود، اجتناب گردد.^۲

۴. نصب رئیس دیوان عدالت اداری: به موجب ماده ۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵/۹/۲۵ رئیس دیوان عدالت اداری با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب می‌شود.

۵. نصب رئیس سازمان بازرسی کل کشور: اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر می‌کند: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری، سازمانی به نام سازمان بازرسی کل کشور، زیر نظر رئیس قوه قضائیه، تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.»

مطابق ماده ۴ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۷/۱۹ رئیس سازمان بازرسی را رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند.

۱. سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، انتشارات میزان، چاپ هجدهم، ۱۳۸۶، ص ۳۸۲.

۲. لارکینز، کریستوفر، «رابطه استقلال قضایی و مردمی شدن»، ترجمه محمدحسین زارعی، راهبرد، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۱۸.

۶. نصب رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کل کشور: به منظور ثبت اسناد و ضبط مدارک مالکیت و رسمیت دادن به آنها و حفظ سوابق مربوطه، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تشکیل می‌شود. براساس تبصره ۱ ماده واحده «قانون تبدیل اداره کل ثبت اسناد و املاک به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور» مصوب ۱۳۵۲/۲/۳ «سازمان ثبت اسناد و املاک کشور وابسته به وزارت دادگستری است و رئیس آن سمت معاونت وزارت دادگستری را خواهد داشت». با توجه به واگذاری اختیارات و وظایف وزیر دادگستری سابق به رئیس قوه قضائیه، یکی از معاونین رئیس قوه قضائیه مسئول اداره سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است.

۷. پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومین به مقام رهبری: (بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی)

۸. ریاست محکمه عالی انتظامی قضات: به موجب قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام، محکمه عالی انتظامی مرکب از رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات و دادستان انتظامی قضات تشکیل می‌شود که گزارش کمیسیون مربوط به فقدان صلاحیت قاضی را بررسی می‌کند و سرانجام نسبت به سلب صلاحیت قاضی تصمیم می‌گیرد. رأی اکثریتی که رئیس قوه قضائیه در آن باشد ملاک اعتبار است.

در اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ با پایان یافتن مدت اعتبار مصوبه مذکور که پنج سال بود، «قانون رسیدگی به صلاحیت قضات» به تصویب رسید. به موجب ماده ۱ این قانون «رسیدگی به صلاحیت قضاتی که صلاحیت آنان طبق موازین شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصرحه در این قانون مورد تردید است از طریق محکمه عالی انتظامی قضات که متشکل از سه نفر قضات گروه ۸ خواهد بود، صورت می‌گیرد. عزل و نصب این قضات با رئیس قوه قضائیه است». اگر در صلاحیت قاضی توسط یکی از مقاماتی چون رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و... تردید شده باشد، ابتدا کمیسیون کارشناسی موضوع را بررسی می‌کند و به محکمه گزارش می‌دهد و محکمه با رأی اکثریت، ممکن است رأی بر عدم صلاحیت قاضی صادر کند که در این صورت یا به انفصال دائم از مشاغل دولتی، یا به انفصال دائم از مشاغل قضایی یا بازخرید و یا بازنشستگی محکوم می‌شود.

به نظر می‌رسد با وجود دادگاه عالی و دادرسی انتظامی قضات و وجود « نظام‌نامه راجع به تشخیص انواع تفصیرات انتظامی قضات و تعیین مجازات آنها» مصوب ۱۳۰۴ هیئت وزرا و نیز ماده ۱ « قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون استخدام قضات» مصوب یازدهم دی ماه ۱۳۱۷ که مجازات‌های انتظامی در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضات از جمله انفصال دائم را تعیین می‌کند، محکمه عالی انتظامی قضات، مرجعی موازی و بنابراین غیر لازم است که استقلال قاضی را به شدت تهدید می‌کند. عدم توجه به استقلال و تضمینات شغلی قاضی در این قانون تا آنجاست که ماده ۵ آن، احکام صادره از محکمه مزبور را قطعی اعلام نموده است.^۱ و به این صورت، این امکان ایجاد شد که قاضی دادگستری، به راحتی از مقام خود منفصل شود.

بی‌تردید این قانون را می‌توان از مصادیق بارز تهدیدکننده مصونیت شغلی و به تبع آن استقلال قضایی دانست، زیرا مفهوم (صلاحیت شرعی و قانونی) که در متن قانون عنوان شده، بسیار عام و کلی است و قلمرو وسیعی دارد.

۹. درخواست اعاده دادرسی نسبت به آراء قطعی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، نظامی و دیوان عالی کشور با تشخیص خلاف بین شرع بودن آنها. (قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۵)

به موجب ماده ۱۸ اصلاحی جدید، چنانچه به تشخیص رئیس قوه قضائیه رأی قطعی دادگاهی خلاف بین شرع باشد، این تشخیص از موارد اعاده دادرسی محسوب و جهت رسیدگی مجدد به مرجع صالح ارجاع می‌شود. بدین ترتیب، این شیوه جدید اعتراض به حکم قطعی جایگزین تجدیدنظرخواهی از شعبه تشخیص شد. طبق تبصره ۴ ماده ۱۸، شعب تشخیص نیز مأمور رسیدگی به پرونده‌هایی شدند که قبل از لازم الاجرا شدن قانون جدید به آنها ارجاع می‌شود و با پایان یافتن رسیدگی به این پرونده‌ها منحل خواهند شد.

در مورد این نوع خاص از اعاده دادرسی، دو نکته متفاوت از اعاده دادرسی که در قانون پیش بینی نشده به وسیله بخشنامه ۱۳۸۷/۳/۲۷ رئیس قوه قضائیه مقرر شده است، جلب توجه می‌کند. نخست آنکه اگر حکم بدوی از طریق ابرام در دیوان عالی کشور قطعی شده باشد، پس از تجویز اعاده دادرسی، رسیدگی باید در شعبه هم‌عرض دادگاه صادرکننده حکم

۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چاپ ۲۱، انتشارات دراک، ۱۳۸۸، ص ۱۷۳.

بدوی صورت گیرد، در حالی که بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۵۸۳ مورخ ۱۳۷۲/۷/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، وقتی مرجع تجدید نظر رأی را تأیید می‌کند، مرجع صدور حکم قطعی محسوب می‌شود.

نکته دوم آنکه وقتی که محکوم علیه از رئیس قوه قضائیه می‌خواهد که اعاده داری را تجویز کند، اگر رئیس دادگستری یا دادستان مجری حکم با ملاحظه دلایل و مدارک وی، اجرای حکم را صحیح ندانند و معتقد به بررسی مجدد پرونده باشند، تا زمان بررسی پرونده توسط رئیس قوه قضائیه و تجویز اعاده داری، اجرای حکم قطعی که هنوز شروع نشده و محکوم علیه با تأمین آزاد است، شروع نخواهد شد. برخلاف اعاده داری در سایر موارد این نوع از اعاده نه فقط احکام بلکه قرارهای دادگاه را نیز در بر می‌گیرد، چون قانونگذار از کلمات آراء قطعی استفاده کرده است. نکته دیگر این است که تقاضای این نوع از اعاده برخلاف موارد دیگر مهلت دارد. یعنی درخواست رسیدگی مجدد به علت مغایرت رأی با شرع باید ظرف یک ماه از تاریخ قطعیت آن جهت بررسی به قوه قضائیه تسلیم گردد.^۱

لازم است ذکر شود که بر اساس ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸ ریاست قوه سمت قضایی بود به صورتی که هرگاه ضمن بازرسی، رأی دادگاهی را خلاف بین شرع (مسلمات فقه) تشخیص می‌داد، آن را جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع می‌داد. این ماده به موجب تبصره ۶ قانون اصلاح ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب لغو گردید.

۱۰. پیشنهاد بودجه سالانه قوه قضائیه و سازمان‌های وابسته به آن به هیئت وزیران (بند ج

ماده ۱ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸)

۱۱. پیشنهاد وزیر دادگستری به رئیس جمهور: اصل ۱۶۰ قانون اساسی: «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را برعهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد. رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری همان اختیارات و

۱. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸، صص ۴۰۱ و ۴۰۲.

وظایفی خواهد داشت که در قوانین برای وزرا به عنوان عالی ترین مقام اجرایی پیش‌بینی می‌شود».

وزیر دادگستری لوایح قضایی را در هیئت دولت مطرح و از بودجه پیشنهادی قوه قضائیه در دولت و مجلس دفاع می‌کند. در ذیل اصل ۱۶۰ قانون اساسی به رئیس قوه اجازه داده شده است که اختیارات مربوط به امور مالی و اداری و اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این باره باید به چند نکته توجه کرد:

- تفویض اختیار از سوی رئیس قوه به وزیر صرفاً به امور مالی اداری استخدامی غیر قضات اختصاص دارد و مسائلی که جنبه قضایی دارند، قابل واگذاری نیست.

- وزیر در مورد اختیارات تفویض شده، از تمام صلاحیت‌های لازم برای تصمیم‌گیری و مدیریت برخوردار است.

- با توجه به ماهیت نظام تفویض اختیار، رابطه رئیس قوه و وزیر دادگستری از نوع سازمانی است. تفویض، اختیاری است و بنا به تشخیص از سوی ریاست قوه قضائیه صورت می‌گیرد. لذا اختیارات تفویض شده قابل پس‌گیری یا انجام همزمان توسط رئیس قوه می‌باشد و از رئیس قوه سلب مسئولیت نمی‌کند.^۱

- وزیر دادگستری در صورت تفویض اختیارات تام مالی، اداری و استخدامی غیر قضات حق امتناع از پذیرش ندارد و پذیرش یا عدم پذیرش وی یا قوه مجریه و رئیس جمهور در تفویض یا رجوع اثری ندارد. به عبارت دیگر تفویض بخش اعظم امور اجرائی و اداری قوه قضائیه یک اختیار یکطرفه از سوی رئیس قوه قضائیه است.^۲

قانون اساسی اثر قانونی خاصی را بر تفویض اختیار رئیس قوه قضائیه به وزیر دادگستری مترتب ساخته است، بدین ترتیب که وزیر همان اختیارات و وظایفی دارد که در قوانین برای سایر وزرا پیش‌بینی شده است (ذیل اصل ۱۶۰). بیان این مطلب این نگرانی را به وجود می‌آورد که وزیر در خصوص موارد تفویض شده مانند سایر وزرا در مقابل رئیس جمهور و مجلس مسئول باشد. حال آنکه منطبق اداری و سازمانی ایجاب می‌کند که وزیر دادگستری در

۱. سید محمد هاشمی، پیشین، ص ۳۸۵.

۲. کاظم اسپرهم، «نگاهی گذرا به اصل ۱۶۰ قانون اساسی - حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری»، در دسترس به نشانی: <http://www.dadsetani.ir/SubjectView/tabid/86/Code/532/Default.aspx>

مقام معاونت رئیس قوه قضائیه قرار گیرد، زیرا حقوق و تکالیف در نظر گرفته شده برای وزیر دادگستری همانند سایر وزرا، استقلال قوه قضائیه را آسیب پذیر می سازد و از این لحاظ قابل انتقاد به نظر می رسد.^۱ در واقع با تفویض، حوزه وسیعی از اختیارات به شخصی منتقل می گردد که به رغم تصدی بخشی از وظائف قوه قضائیه مسئولیتی در قبال رئیس قوه ندارد و رئیس قوه نظارت و اشرافی بر او نمی تواند داشته باشد و جز در موارد رجوع از تفویض و معرفی وزیر، وی مانند سایر وزرا در برابر رئیس جمهور و مجلس نسبت به وزارتخانه و اعمال خود و اعمال هیأت وزیران مسئول خواهد بود.^۲ از سال ۶۸ به مدت ده سال کلیه اختیارات مالی و اداری و استخدامی غیر قضات به وزیر دادگستری تفویض گردید. پس از سال ۷۸ رئیس جدید قوه قضائیه اختیارات مالی اداری استخدامی را به معاونت اداری مالی خود سپرده و به وزیر دادگستری تفویض ننموده است.^۳

قبل از اصلاح این اصل، شورای عالی قضایی وقت در رابطه با حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری از شورای نگهبان استعلام کرد. هدف استعلام، روشن شدن امور مورد تردید در رابطه با این بود که آیا مسئولیت اداره کارگزینی، اداره خدمات، اداره امور مالی، اداره روزنامه رسمی، اداره پزشکی قانونی، سازمان ثبت اسناد و املاک و نظایر اینها با وزیر دادگستری یا شورای عالی قضایی است.^۴ شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ در نظریه شماره ۴۲۱ خود به این سؤال به شرح زیر پاسخ داد:

«وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت وزیران است و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور به عهده شورای عالی قضایی می باشد.»

همچنین نظریه شماره ۳۰۳۹ مورخ ۱۳۷۱/۲/۳ شورای نگهبان در مورد طرح اداره سازمان ثبت اسناد و املاک کشور زیر نظر وزیر دادگستری مصوب جلسه ۱۳۷۱/۱/۳۰

۱. سید محمد هاشمی، پیشین، صص ۳۸۶.

۲. کاظم اسپرهم، پیشین.

۳. <http://www.justice.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=42c8e4ec-449b-4801-ac6b-27fa1175bc>.

۴. استعلام شماره ۷۷۲۷/ش مورخ ۱۳۵۹/۹/۶ شورای عالی قضایی وقت از شورای نگهبان

مجلس شورای اسلامی در رابطه با اختیارات وزیر دادگستری قابل ذکر است. شورای نگهبان نظر داد: با توجه به اینکه اصل ۱۶۰ قانون اساسی وظایف و حدود اختیار وزیر دادگستری را تعیین نموده است و این امر ظهور در انحصار دارد، نمی‌توان به موجب قانون عادی اختیار دیگری به او اعطا نمود. بنابراین طرح فوق مغایر با اصل ۱۶۰ قانون اساسی تشخیص داده شد.

علاوه بر این مورد، شورای نگهبان در پاسخ به سؤالات مطرح شده توسط رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس قوه قضائیه وقت در تفاسیر دیگری جهت رفع ابهام از این اصل ارائه داده است: استفساریه رئیس مجلس شورای اسلامی تاریخ ۱۳۶۲/۴/۹ مربوط به سؤال نمایندگان مجلس بر اساس اصل ۸۸ بود. به این صورت که نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر اساس اصل ۸۸ قانون اساسی از عملکرد دادگاهها و مسئولان قضائی کشور و امور مربوط به شورای عالی قضائی سؤالاتی می‌نمایند و شورای عالی قضائی خود را ملزم به جواب سؤالات نمی‌داند. وزیر دادگستری هم اظهار می‌کند در اموری که تصمیم‌گیری آن به وزیر دادگستری محول نشده است نمی‌تواند جواب بدهد. لذا رئیس مجلس خواستار تعیین حقوق و حدود نمایندگان، وظایف شورای عالی قضایی و وزارت دادگستری در این زمینه شده بود. شورای نگهبان در نظریه خود به شماره ۹۰۷۵ تاریخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ شرح اعلام نمود: «در رابطه با سؤال نماینده مجلس شورای اسلامی از وزیر که در اصل ۸۸ قانون اساسی مطرح است وزیر دادگستری نیز در حدود وظائفی که در اصل ۱۶۰ قانون اساسی برای او مقرر شده مسئول است و علی‌هذا در رابطه با مسئولیت‌های قوه قضائیه وزیر دادگستری مسئول نخواهد بود ولی در رابطه با شکایات از طرز کار قوه قضائیه به موجب اصل ۹۰ قانون اساسی عمل خواهد شد و نیز در رابطه با مواردی که مجلس شورای اسلامی تحقیق و تفحص را لازم بداند، طبق اصل ۷۶ قانون اساسی می‌تواند تحقیق و تفحص نماید. بدیهی است در رابطه با این دو اصل و کیفیت تحقیق و تفحص و اقدامی که مجلس شورای اسلامی در صورتی که پاسخ را قانع کننده ندانست باید بنماید، می‌تواند قانون لازم را تصویب نماید. علاوه بر این چون طبق اصل ۸۴ قانون اساسی هر نماینده می‌تواند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید، در امور قضائی نیز می‌تواند هر گونه نظری را لازم بداند در مجلس شورای اسلامی اظهار نماید».

تفسیر سوم شورای نگهبان مربوط به ابهامات ایجاد تشکیلات توسط وزیر دادگستری در پاسخ به سؤال رئیس قوه قضائیه بیان گردید:

متن سؤال به شماره ۱/۷۸/۶۷۸۸ در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۷۸ به قرار زیر است:

«چون طبق اصل ۱۵۷ قانون اساسی مقام معظم رهبری رئیس قوه قضائیه را به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرایی تعیین می‌فرمایند و نظر به اینکه طبق بند ۱ اصل ۱۵۸ این قانون ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری از وظائف رئیس قوه قضائیه محسوب گردیده است و با عنایت به اصل ۱۶۰ قانون اساسی که در آن اصل از عنوان وزارت دادگستری ذکری به میان نیامده و تنها وزیر دادگستری را به‌عنوان مسئول کلیه مسائل مربوطه به روابط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه معرفی نموده است. در صورتی که وزیر محترم دادگستری بخواهد تشکیلاتی را برای وزارت ایجاد نماید، آیا این تشکیلات و معاونت‌های مربوط به آن باید به نحوی که در اصل ۱۵۸ آمده ایجاد شود و از اعتبارات اداری مالی قوه قضائیه استفاده نماید یا تشکیلات ایجاد شده جزء تشکیلات قوه مجریه محسوب گردیده و خارج از شمول اصل مذکور است و نیازی به تصویب و تأیید رئیس قوه قضائیه ندارد؟»

خواهشمند است با عنایت به اصل ۹۸ قانون اساسی نظر تفسیری شورای نگهبان را اعلام فرمائید.»

شورای نگهبان در نظریه شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ به تاریخ ۱۳۷۸/۸/۲ تفسیر خود را ارائه داد. از نظر شورای نگهبان موارد مربوط به وظائف وزیر دادگستری مذکور در اصل ۱۶۰ قانون اساسی مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود. این تشکیلات باید به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد و اعتبارات آن باید از طرف قوه قضائیه تأمین شود. و موارد مربوط به وظائف وزارتی وزیر دادگستری و نیز وظایف واگذار شده به وی از سوی هیأت دولت، مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد. در این رابطه بازهم رئیس قوه قضائیه مسائلی را مطرح نمودند و در نهایت سؤال آخر ایشان بدون پاسخ در شورای نگهبان بایگانی گردید. سؤال بعدی که در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۸ مطرح شده است، جويا شدن نظر شورای نگهبان در مورد این بوده که آیا تشکیلات جدیدالتأسیس به عنوان تشکیلات وابسته به هیأت دولت قلمداد می‌گردند یا تشکیلاتی هستند که به عنوان وزارت

دادگستری ایجاد می‌شود؟ از نظر ایشان در صورت دوم چون مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود دولت نمی‌تواند وزارتی جداگانه با تشکیلاتی جدید برخلاف آنچه در قانون اساسی آمده است ایجاد نماید.

شورای نگهبان در نظریه شماره ۷۸/۲۱/۵۶۱۰ به تاریخ ۱۳۷۸/۸/۳ این گونه پاسخ داد: «آنچه مربوط به وظائف وزارتی وزیر دادگستری است که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و نیز در مورد وظایفی که هیأت دولت به وی واگذار کرده است، مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد».

اما ظاهراً جواب شورای نگهبان رئیس قوه قضائیه را قانع ننمود و بار دیگر ایشان در تاریخ ۱۳۷۸/۸/۱۹ مراتبی را بیان کردند که بدون پاسخ از سوی شورای نگهبان در پرونده مربوطه بایگانی گردید. رئیس قوه قضائیه معتقد بود که از مفاد پاسخ شورا چنین استنباط می‌گردد حتی اگر هیأت دولت وظائفی را بر عهده وزارت دادگستری نگذارد وزارت دادگستری وظائف دیگری دارد که ارتباط با قوه قضائیه ندارد و این مطلب برخلاف قانون اساسی است، چون معنایش این است که این وزارت ابتدا هم می‌تواند وظائفی خارج از محدوده رابط بودن قوه قضائیه با دو قوه دیگر داشته باشد. ممکن است بر اثر این تفسیر شورای نگهبان در آینده دو تشکیلات مستقل از هم و غیر هماهنگ یکی به عنوان قوه قضائیه و دیگری به عنوان تشکیلات وزارت دادگستری ایجاد شود. که این امر برخلاف روح تمرکز قوه قضائیه و استقلال آن که از اصول مربوط به قوه قضائیه در بازنگری قانون اساسی استفاده می‌شود، خواهد بود.^۱

با توجه به مباحث مطرح شده، این نتیجه حاصل می‌شود که قانون اساسی دو شأن متمایز برای وزیر دادگستری پیش‌بینی کرده است که ماهیتاً با هم متفاوت‌اند؛ شأن اول که در صدر اصل ۱۶۰ قانون اساسی بدان تصریح شده، ماهیت رابط بودن وزیر است و شأن دوم که در ذیل اصل ۱۶۰ قانون اساسی عنوان شده است شأن وزیری به عنوان عالیترین مقام اجرایی است.

یکم: شأن اول (نقش رابط): وظائف مهم وزیر دادگستری در این مقام مطرح نمودن و به تصویب رساندن لوایح قضائیه تهیه شده در قوه قضائیه و لوایح بودجه قوه قضائیه است. با

۱. تفاسیر شورای نگهبان از اصل ۱۶۰ قانون اساسی، در سایت زیر:

<http://www.shora-gc.ir/Portal/Home>

عنایت به تبیین وظیفه وزیر دادگستری در قانون اساسی، کم کردن یا افزودن هر وظیفه دیگر به وظائف وزیر دادگستری بر خلاف قانون اساسی خواهد بود، خواه از سوی قوه مقننه و خواه از سوی قوه مجریه باشد و استدلال رئیس قوه قضائیه در نامه ۱/۷۸/۸۱۱۵ - ۱۹/۸/۷۸ به شورای نگهبان در این خصوص کاملاً موجه است.

دوم: چنان که در ذیل اصل ۱۶۰ تصریح شد، شأن دوم وزیر دادگستری، شأن وزارتی اوست و در صورتی تحقق می‌یابد که رئیس قوه قضائیه اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وی تفویض نماید. بر اثر این تفویض اختیار، شأن وزیر دادگستری از ماهیت رابط بودن به ماهیت وزارتی ارتقا می‌یابد. در این صورت وزیر صاحب دپارتمان می‌شود و وزارتخانه دادگستری به معنای واقعی و قانونی (ماده ۲ قانون محاسبات عمومی) تشکیل می‌شود و این وزارتخانه یکی از سازمانهای دولتی جزو قوه مجریه و وزیر عالیترین مقام اجرائی آن، مانند سایر وزرا خواهد بود و واجد همان اختیارات و وظائفی خواهد بود که برای سایر وزرا در قوانین مربوطه در خاتمه قانون محاسبات عمومی و قانون برنامه و بودجه پیش‌بینی شده است.^۱

۱۲. تعیین هیئت نظارت بر حفظ حقوق شهروندی قوه قضائیه: به موجب ماده ۱۵ "قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی" مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ رئیس قوه قضائیه موظف است هیئتی را برای نظارت و حسن اجرای مواد این قانون تعیین کند.

۱۳. دستور تعقیب و مجازات مجرم در مورد مجنی علیه فاقد ولی: ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی - اگر مجنی علیه ولی نداشته باشد و یا شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد، ولی دم او ولی امر مسلمین است و رئیس قوه قضائیه با استیذان از ولی امر و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه حسب مورد اقدام می‌نماید.

همچنین به موجب ماده ۲۰۵ قانون مجازات اسلامی، اجرای قصاص موکول به اذن ولی امر است که ممکن است اذن در اجرای قصاص از سوی ولی امر (مقام رهبری) به رئیس قوه قضائیه تفویض شود.

۱. کاظم اسپرهم، پیشین.

۱۴. درجه‌بندی صلاحیت قضات: طبق ماده ۴ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۲ "رئیس قوه قضائیه می‌تواند صلاحیت قضات را به سه درجه تقسیم و با در نظر گرفتن سوابق علمی و تجربی، درجه صلاحیت هر قاضی را تعیین نماید."

۱۵. اختصاصی کردن دادگاه‌های عمومی: بر اساس ماده ۴ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ تخصیص شعبی از دادگاه‌های حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است.

بند دوم: وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه در امور غیر مرتبط با قوه قضائیه
وظایف و اختیاراتی که در ارتباط با اداره قوه قضائیه نیستند، بلکه به وضعیت کلی کشور و امنیت عمومی و سیاستگذاری مربوط می‌شوند، از این قرارند:

۱. عضویت در شورای عالی امنیت ملی: بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، به منظور تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی «شورای عالی امنیت ملی» به ریاست رئیس جمهور، با وظایفی از قبیل تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاست‌های کلی کشور، هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر دفاعی امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی تشکیل می‌گردد که یکی از اعضای این شورا رئیس قوه قضائیه است.

۲. عضویت در شورای بازنگری قانون اساسی: بر اساس اصل ۱۷۷ قانون اساسی، در موارد ضروری مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازنگری قانون اساسی پیشنهاد می‌نماید. یکی از اعضای این شورا رئیس قوه قضائیه است.

۳. عضویت در شورای موقت رهبری: اصل ۱۱۱ قانون اساسی مقرر می‌کند: «هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود، یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم

می‌باشد. در صورت فوت یا کناره‌گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظف‌اند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می‌گیرد...».

۴. عضویت در شورای موقت ریاست جمهوری: اصل ۱۳۱ قانون اساسی: «در صورت فوت، عزل، استعفا، غیبت یا بیماری بیش از دو ماه رئیس جمهور و یا در موردی که مدت ریاست جمهوری پایان یافته و رئیس جمهور جدید بر اثر موانعی هنوز انتخاب نشده و یا امور دیگری از این قبیل، معاون اول رئیس جمهور با موافقت رهبری اختیارات و مسئولیتهای وی را بر عهده می‌گیرد و شورایی متشکل از رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه و معاون اول رئیس جمهور موظف است ترتیبی دهد که حداکثر ظرف مدت پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود، در صورت فوت معاون اول و یا امور دیگری که مانع انجام وظایف وی گردد و نیز در صورتی که رئیس جمهور معاون اول نداشته باشد، مقام رهبری فرد دیگری را به جای او منصوب می‌کند.

۵. عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام: قانون اساسی در اصل ۱۱۲ برای عضویت در مجمع تشخیص نظام دو نوع اعضای ثابت و متغیر را پیش‌بینی کرده است که تعیین هر دو دسته بر عهده مقام رهبری است. طبق رویه‌ای که تاکنون معمول بوده است، رئیس قوه قضائیه به عنوان یکی از اعضای مجمع انتخاب شده است.

۶. حضور در مراسم سوگند رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی: در اصل ۱۲۱ قانون اساسی چنین مقرر شده است: «رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید...».

۷. معرفی حقوقدانان به مجلس شورای اسلامی برای انتخاب جهت عضویت در شورای نگهبان: در اصل ۹۱ قانون اساسی آمده است: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات، مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود.

- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز. انتخاب این عده با مقام رهبری است.

- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند».

۸. نظارت بر فعالیت صدا و سیمای کشور از طریق تعیین نماینده: در اصل ۱۷۵ قانون اساسی چنین آمده است: «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد. نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران با مقام رهبری است و شورایی مرکب از نمایندگان رئیس جمهور و رئیس قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی (هر کدام دو نفر) بر این سازمان نظارت خواهند داشت...».

۹. رسیدگی به دارایی رهبر، رئیس جمهور و وزرا در اصل ۱۴۲ قانون اساسی بیان داشته است: «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد».

فلسفه وضع چنین اصلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این است که تصدی مشاغل حساس و حکومتی و مناصب دولتی، متصدی یا صاحب منصب مربوطه را محیط بر بودجه و امکانات و اموال عمومی و دولتی می‌گرداند و این احاطه اگر ضابطه‌مند نباشد و هیچ بازوی نظارتی پیرامون آن وجود نداشته باشد، بیم آن است که قدرت، اسبابی برای کسب ثروت شود و فساد در حکومت ریشه دواند. بدین سبب حسابرسی دارایی‌های رهبران سیاسی و صاحب منصبان حاکمیت امری ضروری به نظر می‌رسد. تا قبل از سال ۱۳۸۰ طبق رویه ایجاد شده فرمهایی تهیه و برای رهبر، رئیس جمهور و معاونان و وزیران در آغاز انتخاب یا انتصاب فرستاده می‌شد که صورت دارایی منقول و غیرمنقول خود و همسر و فرزندان‌شان را در آن فرم بنویسند و به قوه قضائیه بفرستند. بعضی از مقامات پس از پایان دوره خدمت‌شان در سمتهای مذکور نیز صورت دارایی خود را می‌فرستادند.^۱ در سال ۱۳۸۰

۱. حسین مهرپور، پیشین، ص ۳۴۷.

برای اجرای دقیق این اصل، مجموعه ای با عنوان «دفتر اصل ۱۴۲ قانون اساسی» در قوه قضائیه تشکیل شد. با شروع خدمت مشمولان اصل ۱۴۲ کتابچه‌ای با امضای رئیس قوه قضائیه با نام «اظهارنامه اموال هنگام شروع خدمت» و در پایان خدمت کتابچه «اظهارنامه اموال هنگام پایان خدمت» برای مشمولان ارسال می‌گردد. مشمول مکلف است ظرف ۱۵ روز اطلاعات دقیقی از کلیه اموال، دارایی‌ها و هر نوع اعتبار و امتیاز مالی خود و همچنین همسر و فرزندان را اعلام کند. پس از بررسی گزارشی در این باره برای رئیس قوه قضائیه فرستاده می‌شود.^۱

نتیجه

با توجه به مباحث مطرح شده نکاتی به شرح زیر قابل تأمل است:

۱. وظایف و اختیارات بسیاری برای رئیس قوه قضائیه در قانون اساسی و قوانین دیگر پیش‌بینی شده است. وظایف ذکر شده در قانون اساسی عمدتاً در راستای مدیریت قوه قضائیه و از نوع اداری است و کار قضایی برای وی در نظر گرفته نشده است. ولی در قوانین عادی برای وی اختیاراتی مانند درخواست اعاده دادرسی پیش‌بینی شده که جنبه قضایی دارد و با صلاحیت‌های مقرر در قانون اساسی در تعارض است. این توسعه اختیارات، اصل لزوم تبعیت قوانین عادی از قانون اساسی را زیر پا نهاده است. با توجه به وظایف و اختیارات متعدد رئیس قوه قضائیه در قوانین پراکنده، تصویب قانون جامع و دقیقی در مورد وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه با لحاظ اداری بودن سمت و به منظور ممانعت از توسعه اختیارات توسط رئیس قوه قضائیه، ضروری به نظر می‌رسد.
۲. قبل از انقلاب، اداره دستگاه قضایی بر عهده وزیر دادگستری به عنوان عضوی از هیئت دولت بود. بعد از انقلاب با اصلاحات انجام گرفته این وظیفه را رئیس قوه قضائیه عهده‌دار شد. ولی همچنان سمت وزیر دادگستری با اختیارات کمتر در دولت وجود دارد. با توجه به انفکاک دستگاه قضایی از دولت، برای حفظ استقلال آن و از بین بردن ابهام در مورد نقش و مسئولیت وزیر دادگستری، بازنگری در قانون اساسی برای حذف مقام وزیر دادگستری و ایجاد سمت معاونت رئیس قوه قضائیه با داشتن حق شرکت در جلسات دولت برای ایفای این نقش پیشنهاد می‌شود.

۱. مصاحبه با رئیس دفتر اجرای اصل ۱۴۲ قانون اساسی، روزنامه آفتاب یزد، شماره ۲۱۲۰، مورخه ۸۶/۴/۲۵.

البته برخی افراد حذف پست وزارت دادگستری را در شورای بازنگری قانون اساسی مطرح کرده بودند. از نظر آنان وزیر دادگستری تنها نقش نامه‌رسان را دارد. پیشنهاد شد که به جای وزیر دادگستری رئیس قوه قضائیه، یک معاون اجرایی یا پارلمانی داشته باشد که در هیئت دولت شرکت کند، زیرا وزیر از یک طرف در مقابل مجلس مسئول است و از طرف دیگر هیچ اختیاری ندارد. چنانچه مسئولیت ایجاد ارتباط بین قوه قضائیه با سایر قوا بر عهده وزیر باشد، او منافع صنفی دولت را در نظر می‌گیرد و تمام مسائل را منتقل نمی‌کند و به خاطر جایگاه وزارت خویش، اجتهاد از خویش نیز خواهد داشت و به علاوه دولت نیز به این امر پایبند نخواهد بود و رابط بودن وزیر دادگستری را عملاً نقض می‌کند و بر خلاف قانون اساسی از بالای سر وزیر دادگستری، با قوه قضائیه ارتباط برقرار می‌نماید. وجود حق رأی در هیئت وزیران نیز دلیل اقتدار وزیر دادگستری نیست. چرا که افرادی عضو هیئت وزیران هستند که بدون حق رأی، تأثیر زیادی در تصمیم‌گیری دارند؛ از جمله رئیس بانک مرکزی یا رئیس سازمان امور اداری و استخدامی. مخالفان حذف معتقد بودند که وزیر دادگستری به علت انتخاب به وسیله رئیس جمهوری و مجلس اعتبار بالایی دارد و حذف آن به اعتبار دستگاه قضایی لطمه می‌زند. در نتیجه حذف پست وزیر دادگستری به تصویب شورای بازنگری نرسید.^۱

۳. اصل تغییر ناپذیری قضات به عنوان مبنای استقلال قاضی و دستگاه قضایی با اختیارات وسیع پیش‌بینی شده برای رئیس قوه قضائیه رعایت نمی‌شود. اختیارات این مقام در نقل و انتقال قضات به بهانه مصلحت جامعه و نقش وی در تعیین صلاحیت قضات، تهدیدی برای استقلال قاضی است. به نظر می‌رسد حذف قسمت اخیر اصل ۱۶۴ در مورد نقل و انتقال قضات به دلیل مصلحت و تصویب قوانین دقیق در این زمینه گامی مهم برای تأمین استقلال قضات است.

معاونت کیمیات،

آموزش و حقوق شهروندی

۱. مشروع مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی، صص ۸۸۱-۸۷۰

منابع

الف) کتب و مقالات

- اسپرهم، کاظم، نگاه گذرا به اصل ۱۶۰ قانون اساسی - حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری، در دسترس به نشانی: <http://www.dadsetani.ir/SubjectView/tabid/86/Code/532/Default.aspx>
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، چاپ دوم، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸.
- زرنگ، محمد، تحول نظام قضایی ایران، ج ۲، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چاپ ۲۱، انتشارات دراک، ۱۳۸۸.
- صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجلس شورای اسلامی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی، اداره تبلیغات و انتشارات، چاپ دوم: ۱۳۸۰.
- کریمی، حسین، آشنایی بامسئولیت‌های مسئولین قضائی قوه قضائیه، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۴.
- لارکینز، کریستوفر، رابطه استقلال قضایی و مردمی شدن، ترجمه محمد حسین زارعی، راهبرد، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۱.
- مجموعه قانون اساسی، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۱.
- مهرپور، حسین، مختصر حقوق اساسی جمهوری ایران، نشر دادگستر، ۱۳۸۷.
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، انتشارات میزان، چاپ هجدهم، ۱۳۸۶.
- یزدان پناه پنبه چوله، زهرا، الگوی مطلوب دادگستری در جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

ب) قوانین

- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۱۳۸۳.
- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۸۱.
- قانون اصلاح ماده ۱۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب ۱۳۸۵.
- قانون تبدیل اداره کل ثبت اسناد و املاک به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، مصوب ۱۳۵۲.

- قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰.
- قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات، مصوب ۱۳۷۰.
- قانون دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۸۵.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰.
- قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه، مصوب ۱۳۷۸.

ج) سایت‌ها

- سایت وزارت دادگستری به نشانی: <http://www.justice.ir/Portal/Home>
- سایت شورای نگهبان به نشانی: <http://www.shora-gc.ir/Portal/Home>

معاونت تحقیقات،
آموزش و حقوق شهروندی



معاونت تحقیقات،
آموزش و حقوق شهروندی

<http://www.lri.ir>

معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی